

شماره هفتم و هشتم

مهر و آبان ماه

۲۵۳۵

الْمِعْنَى

سال پنجم و هشتم

دوره چهل و پنجم

شماره ۸۹ - ۷۹

تأسیس بهمن ماه - ۱۲۹۸ شمسی

(مؤسس : استاد سخن مر حوم و حیدر دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحیدزاده دستگردی (نسیم)

(سردبیر : محمد وحید دستگردی)

زبان فارسی را دریابید !!

این سومین مقاله است که تحت عنوان فوق در ارمغان در طول سی و
اندی سال بحکم وظيفة دیرین که همانا حمایت و جانبداری از زبان و ادب
بلند پایه فارسی است نگارش میباشد .

باید که مورد توجه و عنایت پاکدلان روشن ضمیر و میهن دوستان
خیراندیش واقع گردیده بیش از این سهل انگاری و بیاعتنای نسبت بزبان
اجدادی که میراثی بس گرانمایه و همواره مایه افتخار و سر بلندی ایران و
ایرانی بوده روا ندارند .

امپراطوری کهنسال ایران در طول تاریخ پر عظمت خویش چه قبل از

اسلام و چه در دوران اسلامی بسبب وسعت فوق العاده کشور و همسایگی با دیگر امپراطوریهای جهان از طرفی و طوایف واقوام بدؤی از طرف دیگر همواره مورد حملات و تهاجمات همسایگان مهاجم واقع گردیده و از بخت بد هرگاه فرمانروائی نیرومند زمام امور را در کف نداشت لاجرم عواقب وخیمی بیار آورده است.

حملات اعراب و مغولان و تیموریان در دوران اسلامی از جمله تهاجمات سهمناک ویرانگری بوده که بر پیکر ایران وارد گردیده و در مدتی متجاوز از هفت قرن سر زمین پهناور ایران همواره میدان تاخت و تساز و قتل و انهدام بوده است.

در طول این مدت میلیونها نفر از ساکنان این سرزمین جان خود را از دست داده و هزارها شهر و قصبه به تل خاک تبدیل و صدها عالم و دانشمند با فجیع ترین وضعی در زیر خاک مدفون گردیدند.

مدارس و مکاتب و کتابخانه‌ها به ویرانهای مبدل گردید و حتی چهارپایان و جانوران از نتایج شوم این ویرانیها و کشتارهای وحشیانه جان سالم پدر نبردند.

در همین روزگاران وحشتناک کشورها و مللی را میشناسیم که در حدود وسعت و توانایی خویش دچار چنین سرنوشت‌های شومی گردیده میدان تاخت و تاز غارتگران بیدادگر واقع گردیدند اما پس از چندی خصوصیات ملی خویش را که اهم آنهازبان و تاریخ و آداب و رسوم نژادی و قومی میباشد فراموش کرده در میان قوم فاتح مستهلک و محو گردیدند.

اگر جامعه ایرانی قرنها در برابر آنمه شدائد و مصائب بنیانکن صبر و شکریابی بخرج داده و ملت و موجودیت خویش را با همه رنجها و دشواریهای

طاقت فرسا حفظ و احراست نموده بعللی و جهانی بوده که در رأس آنها زبان و ادب شامخ فارسی را باید بشمار آورد. دهها آثار نظم و نثر گویندگان و نویسندهای بزرگ فارسی که بشیوه‌های حماسی و تاریخی و عرفانی و داستانی و یا بصورت چکامه و چامه بر شته نظم و نثر کشیده شده بود و دانش و فرهنگ ایرانی را دربر میگرفت چنان با روح و خون ساکنان این سرزمین در هم آمیخته شده بود که جدائی و انفکاک آن همواره مستبعد و غیرممکن بمنظربنام است. ذوق و قریحه و عشق و غلاقة تمام عیار مردم این سرزمین بزبان و ادبیات دلپرور فارسی و آداب و رسوم کهنه آن از دیرباز حافظ و نگهبان سرمهخت این سرزمین بوده است.

در قرون جدیده که ترقیات شکرگفت کشورهای غربی از لحاظ دانش و صنعت دنیای شرق را خواهناخواه تحت الشعاع خویش قرارداد و مردم آن کمتر بانام و نشان کشورهای شرقی آشنائی داشتند. اگر گاه و بیگاه نامی از این کشورها بر زبانها جاری میگردید از طریق آثار ادبی و علمی و حکمی بزرگان علم و ادب این ممالک بود که بزبانهای اروپائی ترجمه و تفسیر گردیده بود.

چنانکه آثار و نمونه‌هایی از بزرگان ادب فارسی بویژه امسایید بزرگ چنچون فردوسی، نظامی، خیام، سعدی، مولوی و حافظ بزبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسه بوسیله شرق‌شناسان و محققان دانشمند غربی ترجمه شد و موجب شناسائی کشور ایران در بین مردم مغرب زمین گردیده اینک مایه شگفتی و حیرت است که نسبت بزبان و ادبیات و مفاخر و مأثری که از دیرباز عامل اصلی حفظ بقاء و مایه سربلندی و افتخار مردم این سرزمین بوده سهل انگاری و بی‌قیدی روا داریم.

اگرچه تا آنجاکه نوشته و گفته‌اند و خود نیز برآی‌العین مشاهده نموده‌ایم حس تقلید و تظاهر از رفتار و کردار دیگران از روزگاران پیشین درما مردم ایران شدیدبوده چنانکه این علاقه مندی به تقلیدرا در دوران حکومت یونانیان از مردم آنديار و در عصر اسلامی از اعراب و ترکان و در قرن اخیر از مردم مغرب زمین به ثبوت رسانده‌ایم.

اینک زبان پر ارج فارسی مواجه با هرج و مرج و بی‌اعتنایی زاید الوصفی گردیده بطوریکه دانسته یا ندانسته تیشه بریشه آن زده می‌شود و نه مطبوعات و نه حتی کتبی که از طرف مراکز ادبی و علمی و فرهنگی چاپ و منتشر می‌گردد نویسنده‌گانش غالباً از روی عدم دانش و بی‌نش و یا منهله انگاری و عدم توجه با صول و قواعد درست نویسی که مایه فصاحت و جزالت زبان است و تمام ملل جهان حتی طوایف و اقوام بدوى خود را موظف به مراعات آن در زبانهای خویش میدانند بی‌اعتنایی ولا قیدمی باشند.

با استعمال الفاظ و کلمات بیگانه تفاخر می‌کنند و از نامگذاری دکاکون و مراکز فروش و انجمن‌ها و خیابانها و حتی نام خانوادگی فروگذار نمی‌کنند و موجبات سرشکستگی خود وهم می‌پنهان را از روی جهالت فراهم ماخته قلوب دوستداران سخن‌وادب فروغمند فارسی و وطن پرستان گرامی راجربه دار می‌سازند؛ اگرچه زبان و ادبیات فارسی را با آن آثار پر بها و گرانقدر چنان پایه و مایه محکم و پا بر جایی است که از «باد و باران نیابد گزند» و تا ایران و ایرانی پایدار است سخن و ادب پر مایه آن نیز پایدار و پای بسر جا خواهد ماند ولی وظیفه هر ایرانی اندیشمند و میهن دوست ایجاب می‌کند که در حفظ و حراست این گوهر گرانبهای از جان و دل بکوشد و آنرا از گزند روزگار مصون و محفوظ نگاه بدارد. (وحیدزاده- نسیم)